

راهبرد اسلام در مقابله با ارتداد

یوسف خیری^۱، جواد نعمتی^۲، اکبر ساجدی^۳

^۱ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۲ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۳ دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

نویسنده مسئول:

اکبر ساجدی



چکیده

در راستای معقول‌سازی آموزه‌های اسلامی، پاسخ به حکمت برخی از مجازات‌های خشن از جمله اعدام مرتد ضروری است. در پژوهش حاضر نویسندگان با یک دسته‌بندی نو، راهبردهای اسلام در مقابله با ارتداد را مورد بررسی قرار داده‌اند. راهبردهای اسلام در مقابله با ارتداد از راهبردهای کلامی و اخلاقی آغاز شده و با راهبرد فقهی به پایان می‌رسند. اسلام تنها با جعل مجازات و اعمال قوانین خشن با منکرات مبارزه نکرده است. بخش اعظم آموزه‌های اسلامی در رابطه با تربیت، تبلیغ، اصلاح، تعلیم، تذکر، و اموری از این قبیل است. اسلام در مقابله با همه ناهنجاری‌ها و از جمله ارتداد، از راهبردی پیش‌گیرانه پیروی کرده تا درمان‌گرایانه. همه احکام و معارف اسلام انسان را از همه ابعاد وجودی و به لحاظ تمامی ظرفیت‌هایش مورد نظر قرار داده است. اصل تقدم پیش‌گیری بر درمان در جای جای معارف و احکام اسلامی مشاهده می‌شود. اسلام منتظر این نیست که بزهکاری، ناهنجاری و ارتدادی در جامعه رخ دهد، تا با مجازات بزهکاران، ناهنجاران و مرتدان حس انتقام‌جویی خود را ارضا نماید. بلکه با نگاه حکیمانه و مهرجویانه همواره در صدد این است که اصلا موارد پیش‌گفته به وقوع نپیوندد. از رو احکام و معارف اسلامی به گونه‌ای است که اگر به درستی رعایت شود، اصلا هیچ ارتدادی ایجاد نمی‌شود. طبیعی است که ارتداد در صورتی که از سوء اختیار و خبث باطن نشأت گرفته باشد، بایستی با راهبردی نظیر اعدام با آن مقابله کرد.

کلمات کلیدی: راهبرد اسلام، ارتداد، پیش‌گیری، درمان.

مقدمه

اسلام، مثل دیگر ادیان آسمانی توحید و یکتاپرستی را به عنوان اساسی‌ترین اصل اعتقادی دانسته (انبیا، ۲۵) و در مقابل، کفر و شرک را ستمی بزرگ (لقمان، ۱۳)، گمراهی از راه راست (بقره، ۱۰۸) و بازگشت به تاریکی (بقره، ۲۵۷) معرفی کرده است. با این حال طبیعی است که اسلام از تمامی ظرفیت‌ها برای ترویج و تبلیغ توحید استفاده کرده، در صدد رفع و دفع موانع آن برآید. (توبه، ۳۲)

یکی از مهم‌ترین موانعی که بر سر راه توحید قرار دارد، پیدایش پدیده ارتداد است. اسلام به مقتضای اهمیتی که به توحید قائل است با ارتداد مبارزه می‌کند که اعدام مرتد در همین راستاست. اما نکته حائز اهمیت این است که اسلام تنها به وسیله اعدام با ارتداد مقابله نکرده، بلکه با کاربست شیوه‌های خاصی هدف نهایی خود (حاکمیت توحید) را تأمین کرده است. این پژوهش بر آن است که برنامه‌های اسلام را در مقابله با ارتداد تبیین کرده، نظم و ترتیب حاکم بر آن را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

برنامه مدیریتی اسلام نسبت به ناهنجاری‌ها به صورت کلی در پژوهش‌هایی که سیاست حقوقی اسلام را تبیین کرده‌اند، مورد اشاره قرار گرفته است.

اما مطالعه‌ی نظام‌مندی درباره برنامه مدیریتی اسلام نسبت به پدیده ارتداد صورت نگرفته است. غالب تحقیقاتی که درباره ارتداد و مجازات مرتد انجام شده، با زاویه‌های تک‌ساحتی مثل فقه، حقوق و کلام به آن نگرسته است. از این رو تبیین راهبرد مدیریتی اسلام در خصوص ارتداد را می‌توان جزو مسائل نوپا شمرد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت نگاه شبکه‌ای و سیستماتیک به مسائل اسلامی بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات طرح شده درباره آموزه‌های اسلامی با طرح شبکه‌ای مسائل قابل پاسخ‌گویی است. ارائه‌ی چهره نادرست از اسلام به بهانه وجود برخی از قوانین به ظاهر خشن، سوژه‌ی جدیدی نیست، تا طرح آن مایه وحشت و ترس بوده باشد. با تبیین منطقی نظام‌های موجود در اسلام، می‌توان از چهره‌ی این قوانین غبارروبی کرد.

قانون اعدام برای مرتد نیز از همین دست است. یافتن راهبردهای گوناگون اسلام در مقابله با این پدیده می‌تواند حکیمانه بودن قانون مزبور را اثبات کرده، تقویت بنیادین اعتقادات و درستی آموزه‌های اسلامی را در پی داشته باشد.

پرسش اصلی پژوهش

مقاله حاضر در راستای پاسخ به این پرسش است که اسلام به وسیله چه راهبردهایی با ارتداد مقابله کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید تکلیف مباحث دیگری نیز روشن شود، از جمله: ۱. راهبرد اسلام در مقابله با ارتداد بر چه اصولی بنا شده است؟ ۲. نظام عقیدتی و حقوقی اسلام با مسئله نوشتار حاضر چه رابطه‌ای دارد؟

برای پاسخ به پرسش‌های طرح شده، ابتدا به ویژگی نظام عقیدتی و حقوقی اسلام اشاره، سپس مبانی راهبرد مقابله‌ای اسلام با ارتداد بررسی شده و در نهایت با دسته‌بندی راهبردهای اسلام در مقابله با ارتداد، به پرسش اصلی پرداخت شده است.

نظام عقیدتی

اسلام توحید را به عنوان اصل و اساس تمامی معارف نظری و عملی خود قرار داده است. حاصل همه اعتقادات، احکام و اخلاقیات اسلامی توحید است. مهم‌ترین حقوق انسانیت توحید و قوانین دینی‌های است که بر اساس توحید تشریح شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۷۱) اولین و مهم‌ترین مسئله‌ای که قرآن کریم در بیان آن اهتمام ورزیده مساله توحید خداوند است و سایر معارف اخلاقی و علمی دین را بر آن اساس بیان کرده و مردم را به سوی آن دعوت کرده است. (همان، ۵، ۳۱۲)

نظام توحیدی را می‌توان یک نظام سیستماتیک^۱ دانست که تمامی اجزای آن در تعاملی معنادار به سوی هدف غایی در حال حرکت هستند.

^۱. Systematic.

از مهم‌ترین مزایا که در این دین به چشم می‌خورد ارتباط تمامی اجزای دین به یکدیگر است، ارتباطی که باعث وحدت کامل بین آن می‌شود، به این معنا که روح توحید در فضائل اخلاقی که این آیین بدان دعوت می‌کند ساری و روح اخلاق نامبرده در اعمالی که مردم را بدان تکلیف فرموده جاری است، در نتیجه تمامی اجزای دین اسلام بعد از تحلیل به توحید بر می‌گردد و توحیدش بعد از تجزیه به صورت آن اخلاق و آن اعمال جلوه می‌کند، همان روح توحید اگر در قوس نزول قرار گیرد آن اخلاق و اعمال می‌شود و اخلاق و اعمال نامبرده در قوس صعود همان روح توحید می‌شود، هم چنان که قرآن کریم فرمود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ». (همان، ۴، ۱۰۹)

قرآن بر این نکته تاکید می‌کند که اسلام بر مبنای فطرت است و تمامی قوانین و احکامش در راستای حفظ همین فطرت جعل شده است. از همین رو است که در فرهنگ قرآنی جهاد با کفار «حیات» نامیده شده است؛ چرا که جنگ با کفار چه به صورت جهاد ابتدایی و چه دفاعی در حقیقت دفاع از حقوق و حیات انسانی است. مهم‌ترین حق انسانی توحید بوده و انسان در پناه آن به حیات می‌رسد و در این راستا شرک به خدا مرگ انسان است. جنگ با کفار نیز دفاع و احیای همین حق است. (همان، ۲، ۶۵ - ۶۶)

نظام حقوقی

حقوق اسلام یک نظام به هم پیوسته‌ای است که بین اجزای آن رابطه واقعی وجود دارد. مطالعه‌ی دقیق نظام حقوقی اسلام این واقعیت را آشکار می‌سازد. دو ویژگی «استمرار» و «انسجام» به سیستم کیفری و جزایی اسلام اهمیت و اعتبار ویژه‌ای بخشیده است به نحوی که قادر است زمینه‌ی جرم و بزهکاری را در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی، عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی به حداقل برساند. به عنوان نمونه: اسلام به موازات تعیین مجازات سرقت، به تأمین زندگی اقتصادی مردم نیز توجه کرده است و به موازات تبیین مجازات عمل منافی عفت، زمینه‌های اجتماعی تسهیل در امر ازدواج را فراهم ساخته است و به این ترتیب ضمن مبارزه با فحشا، به چاره‌جویی اساسی آن پرداخته است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۸، ۳۹۳)

مبناشناسی راهبرد

راهبرد مقابله با ارتداد می‌تواند بر مبنای و اصولی مبتنی شود که بررسی و تحلیل آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین مسئله‌ی نوشتار حاضر خواهد داشت. به نظر می‌رسد برای راهبرد اسلام در مقابله با ارتداد می‌توان حداقل دو اصل و مبنا در نظر گرفت:

۱. توجیه هدف با وسیله

اگر هدف اسلام اعتلای کلمه حق است، آیا برای رسیدن به این هدف کاربست هر روشی می‌تواند صحیح باشد؟ آیا می‌توان برای رسیدن به اعتلای کلمه حق، وسیله‌ای مثل مجازات مرتد، جهاد با کفار و احکامی مشابه را موجه دانست؟! پذیرش این مبنا می‌تواند راه را بر بسیاری از احکام جزایی اسلام که ظاهری خشن دارند، هموار کند، اما مهم این است که آیا این مبنا موید به دلیلی است؟ در پاسخ باید گفت که مبنای مزبور نه تنها موید به دلیلی نیست، بلکه دلیلی بر رد آن وجود دارد. با دلیل عقلی ذیل می‌توان «توجیه وسیله با هدف» را رد کرد:

از آن جایی که غایت مترتب بر مقدمات است، نمی‌توان به هدفی مقدس از راهی نادرست نائل شد. راه و وسیله هر چه باشد، سازنده هدف و غایت است. نمی‌توان انتظار داشت که از وسیله نادرست، هدفی درست زاده شود. حق و باطل در هم نمی‌آمیزند. اگر باطل به حق آمیخته شود، حق را از بین برده، به باطل تبدیل می‌کند. صرافت و خلوصی اهداف حق با کاربست وسایل باطل از بین خواهد رفت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴، ۱۵۵ - ۱۵۶) از این رو روش‌های خشونت‌آمیز را نمی‌توان به صرف درستی هدف موجه دانست.

دلیل فوق با روح آموزه‌های دینی کاملاً سازگار است. عدم توجیه وسیله با هدف از سنت‌های الهی است. خداوند متعال صراحتاً اعلام می‌دارد که از گمراه‌کنندگان برای یاری استفاده نمی‌کند:

وَمَا كُنْتُمْ تُخِذُوا الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (کهف، ۵۱)

و من آن نیستیم که گمراه‌گران را همکار خود بگیریم.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

این سنت به عنوان نمونه در سیره سیاسی حضرت امام علی (ع) در پاسخ به معاویه نسبت به واگذاری شام (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ۱، ۵۲) کاملاً نمایان است. حضرت بارها در خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود بر این نکته تأکید می‌کرد که هرگز به مانند معاویه از شیوه‌های نادرست برای رسیدن به اهداف خود استفاده نخواهد کرد. (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰) نتیجه آن که نمی‌توان راهبرد مقابله‌ای اسلام با ارتداد را بر مبنای «توجیه وسیله با هدف» بنا کرد؛ چرا که مبنای مزبور مورد تأیید نیست.

۲. رعایت اصل تدریج

توجه ویژه به صفات «رحمت» و «حکمت» در خدا و «کرامت» در انسان، می‌تواند ما را در یافتن زیربنای راهبرد مقابله‌ای اسلام با ارتداد یاری کند. رحمت حکیمانه حق تعالی و کرامت و ارجمندی انسان مقتضی است که قوانین کمال‌آفرین الهی در بهترین حال متناسب با انسان به او رسانده و دربارهاش اجرا شود. اصل تدریج و مدارا در تبلیغ اسلامی بهترین مصداقی است که می‌توان از آن به عنوان زیربنای راهبرد مقابله‌ای اسلام با ارتداد یاد کرد. از این روست که خداوند متعال پیامبر را به کاربست تدریج، رفق و مدارا در سه ناحیه مامور ساخته است: ۱. مفاد دعوت، ۲. مدعوین دعوت و ۳. مراتب دعوت.

دعوت پیامبر با تدریج صورت گرفت؛ ابتدا اصول دین با بیانی اجمالی، سپس فروع دین با تبیینی تفصیلی به مردم ابلاغ شد. مدعوینی که به اسلام دعوت شدند به تدریج به سوی اسلام فرا خوانده شدند؛ ابتدا قوم رسول الله، سپس همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها.

مراتب دعوت نیز به تدریج صورت پذیرفت؛ ابتدا «دعوت و ارشاد»، در وهله دوم «ترویج مقاومت مسالمت‌آمیز» و در وهله سوم «قیام مسلحانه و اعلان جهاد». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴، ۱۵۶ - ۱۶۱)

در توضیح سه مرتبه پیش‌گفته چنین می‌شود گفت که اسلام برای اصلاح جامعه و تحقق عدالت و از بین بردن شر و فساد، سه روش را به ترتیب به کار بسته است:

۱. دعوت و ارشاد:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل، ۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله‌ نمای.

خداوند سبحان پیامبر را مامور کرده که فنون گوناگون بیان را بر اساس اختلاف فهم‌ها و استعداد‌های اشخاص به کار گرفته، کرامت انسانی و اخلاق حسنه را در تبلیغ دین رعایت نماید.

و این طریقه‌ای است که اسلام آن را در اول بعثت انتخاب نموده و به کار گرفته است.

۲. ترویج مقاومت مسالمت‌آمیز، نظیر قطع روابط با ستمگران:

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسُكُمُ النَّارُ (هود، ۱۱۳)

و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد.

این همان دعوت سلبی است که خداوند متعال به دوری و کنارگیری مومنین از کافرین دستور داده، تا جامعه اسلامی روی پای خود تکون یافته و کمترین تاثیر را از اعتقادات و ردائیل جوامع شرک‌آلود نگیرد.

۳. قیام مسلحانه و اعلان جهاد:

و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۴۴)

و در راه خدا کارزار کنید، و بدانید که خداوند شنوای داناست.

اسلام هر سه روش را در جای خود صحیح دانسته و تدریجاً و بموقع آن‌ها را به کار بسته است. (کاشف الغطاء، بی‌تا، ۳۷ - ۳۸)

اسلام برای اعتلای کلمه حق، توسل به زور و خشونت را شیوه خود نساخته است، بلکه ابتدا با روش‌های ارشادی و تربیتی در صدد مقابله با شرک و کفر برآمده، و آن‌جا که شیوه‌های نرم کارساز نبوده، با شیوه‌های دیگری اهداف خود را دنبال کرده است. اسلام با ارتداد به صورت دفعی و با جعل حکم مرگ برای مرتد، مبارزه نکرده است. روش‌های تربیتی به عنوان پیش‌گیری بر روش‌های مجازاتی مقدم است.

اسلام دین عقیده است و این اشتباه بزرگ و غلط آشکاری است که بعضی مرتکب شده و گفته‌اند: «اسلام دعوت خود را با شمشیر گسترش داده است»؛ زیرا عقیده و ایمان چیزی نیست که با زور و شمشیر در دل‌ها جای‌گیر شود، دل‌ها تنها در برابر حجت و برهان خاضع می‌شوند و قرآن کریم در آیات بسیاری به این حقیقت اشاره می‌کند، از آن جمله می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، ۲۵۶) اگر اسلام دست به شمشیر زده، تنها در برابر کسانی بوده که در خودداری از ظلم و فسادشان به آیات و براهین قانع نشده‌اند و پیوسته خواسته‌اند سنگ در سر راه دعوت به حق بیندازند، هدف اسلام از شمشیر در این گونه موارد این

نیست که آنان را به سوی دین بخواند، بلکه می‌خواهد شر آنان را دفع کند. این قرآن کریم است که با بانگ رسا اعلام می‌دارد: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره، ۱۹۳ و انفال، ۳۹) (کاشف الغطاء، بی‌تا، ۳۸)

در مجازات مرتد نیز هدف اصلی این نیست که اسلام به زور مجازات خشنی مثل اعدام، مردم را به طرف دین دعوت کند، بلکه هدف اصلی اسلام این است با اعدام، شر مرتد را دفع کند.

توجه به اصل تدریج در تبلیغ اسلامی نشان می‌دهد که اولاً اسلام دعوت خود را به خاطر رعایت حال انسان‌ها به صورت نرم و به تدریج آغاز نموده، و ثانیاً اعمال قانون‌های به ظاهر خشن را در وهله‌های بعدی با هدف حفظ نظام اسلامی، پیشه خود ساخته است.

در نتیجه باد چنین اذعان نمود: اصلی که راهبرد اسلام در مقابله با ارتداد بر آن بنا نهاده شده، اصل تدریج و مداراست که آن هم بر صفت حکمت و رحمت خدا و کرامت انسان بنا شده است.

دسته‌بندی راهبردها

راهبردهایی که اسلام برای مقابله با ارتداد قرار داده با یک تقسیم کلی ذیل سه بخش کلامی، اخلاقی و فقهی دسته‌بندی می‌شود.

۱. راهبردهای کلامی

راهبردهای کلامی آن دسته از اصول اعتقادی اسلام است که مانعی برای پیدایش ارتداد قلمداد می‌شود. البته می‌توان ادعا نمود که همه اصول اعتقادی از چنین خصوصیتی برخوردار است، ولی به نظر می‌رسد که مانعیت برخی از اصول بیشتر است. ویژگی بارز راهبردهای کلامی، تکوینی بودن آنهاست؛ در مقابل، راهبردهای اخلاقی و فقهی که اموری تشریحی هستند. «فطرت توحیدی» و «رابطه بین دنیا و آخرت» را می‌توان مهم‌ترین راهبردهای کلامی برای مقابله با ارتداد دانست.

۱.۱. فطرت توحیدی

فطرت توحیدی انسان را می‌توان با تمامی زیرمجموعه‌هایش از راهبردهای کلامی اسلام برای مقابله با ارتداد برشمرد. از منظر کلام اسلامی روح توحید در وجود انسان نهادینه است. خداوند متعال انسان را فطرتاً موحد آفریده است. (روم، ۳۰) فطرت خدایی انسان در سه بعد دانش، گرایش و توانش تجلی یافته است. انسان‌ها به خدا دانش و گرایشی فطری داشته و در این راستا می‌توانند به قرب الی الله نائل آیند. (رجبی، ۱۳۸۴، ۱۲۵ - ۱۲۷ و گرامی، ۱۳۸۴، ۱۱۵ - ۱۲۶)

ارتداد انسان خاموشی ندای فطرت در سه عرصه پیش‌گفته است. مرتد در بستری خنثی مرتد نشده است، او انسانی است که می‌توانست با استفاده از دانش، گرایش و توانش فطری به مرحله کمال خود برسد. در نتیجه فطرت را می‌توان اولین مانع از پیدایش ارتداد برشمرد.

۱.۲. رابطه بین دنیا و آخرت

خداوند متعال بر اساس حکمتش بین دنیا و آخرت، رابطه‌ای عینی برقرار نموده است. چه آخرت را جزای دنیا بدانیم و چه آن را تجسم دنیا، بین این دو هیچ منافاتی وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱، ۹۳) چرا که هر دو بیان در این که رابطه عینی بین دنیا و آخرت برقرار است، اشتراک دارند. از این رو بین عمل انسان و تأثیری که مترتب بر آن خواهد بود، رابطه‌ای عینی برقرار است.

از نظر اسلام بین کفر دنیوی و تباهی اعمال در دنیا و آخرت رابطه عینی برقرار است:

وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره، ۲۱۷)

و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود، و ایشان اهل آتشنند و در آن ماندگار خواهند بود.

همان گونه که بین ایمان و طهارت دنیوی و اخروی رابطه عینی وجود دارد. در نتیجه باید اذعان کرد که کفر و ایمان در سعادت انسان نقشی متقابل دارند؛ کفر سعادت‌سوز و ایمان سعادت‌ساز است. کفر و ارتداد به سعادت‌سوزی منجر می‌شود، و در مقابل ایمان، حیاتی سعادت‌ساز به روح آدمی می‌دمد. حصول ایمان بعد از زندگی کافرانه حیات‌بخشی به اعمالی است که به خاطر کفر حبط شده بود و متقابلاً کفر بعد از ایمان میراندن سعادت دنیوی و اخروی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۱۶۹)

قرارداد رابطه بین ارتداد و حبط، بازدارندگی و سازندگی دارد. انسانی که به رابطه بین کفر و حبط واقف است، از افتادن در دام ارتداد پرهیز می‌کند و مرتدی که به این رابطه توجه کند، زمینه غفلت را از بین برده، در صدد اصلاح و سازندگی بر خواهد آمد.

با توجه به همین بازدارندگی و سازندگی، جایگاه و نقش «بشارت» و «انذار» معلوم می‌شود. بشارت به انواع پاداش‌های معنوی و مادی الهی و بیم دادن و انذار از کیفی‌های سخت روحانی و جسمانی از وسایل تعلیم و تربیت انسان‌ها و عامل قوی در باز داشتن آنان از گناه و جرائم به شمار می‌رود. در اهمیت آن همین بس که یکی از اهداف بعثت پیامبران، بشارت و انذار است. (بقره، ۱۱۹)

۲. راهبردهای اخلاقی

قرآن یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر اسلام را تهذیب و تزکیه نفس‌ها معرفی می‌کند. (جمعه، ۲) بر همین اساس تهذیب و تزکیه جزو واجبات مهم اخلاق اسلامی است.

در آموزه‌های اسلامی راهکارهای بسیاری وجود دارد که در پیشگیری از جرم مؤثر است. بر اساس علت‌شناسی، بخش زیادی از جرایم ریشه در رذایل اخلاقی دارد که به عنوان علل و عوامل روانی رفتار مجرمانه، با سست کردن اراده آدمی و برداشتن موانع درونی، زمینه روحی - روانی لازم را برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورند. در این میان می‌توان رذایل و فضایی را یادآور شد که به بحث ارتداد نزدیک است:

«جهل ناشی از غلبه هوا و هوس» از جمله رذایل مربوط به انحراف در نیروی شناختی است که می‌تواند ریشه کفر و ارتداد به شمار رود. همین گونه «کبر»، «عناد»، «حق‌ستیزی» و «لجاجت» نیز از رذایلی است که می‌تواند فرد را به سمت ارتکاب رفتارهای کفرآمیز بکشاند.

زدودن زنگارهای درونی، اولین قدم در جهت بهسازی افراد و به منظور پایین آوردن ظرفیت جنایی آنان به شمار می‌رود. پس از آن نوبت به ترویج فضایل اخلاقی در جامعه می‌رسد. اگر این دو مهم به درستی انجام گیرد، نقش مؤثری در کاهش و کنترل جرم خواهد داشت؛ زیرا عمل به فضایل اخلاقی به صورت فردی و همین طور ترویج آن در سطح جامعه می‌تواند مقاومت افراد در برابر وسوسه‌های انحرافی و مجرمانه را افزایش داده و آنان را به پرهیز داوطلبانه از ارتکاب جرم وا دارد. فضیلت «حکمت» مانع از وقوع جرایمی است که ریشه در عوامل شناختی دارد. فضایل دیگری از قبیل «تواضع و فروتنی در برابر حقیقت»، «حقیقت‌طلبی» و «حقیقت‌جویی» نیز جزو عوامل رفتاری بوده، زمینه پیش‌گیری از ارتداد را فراهم می‌کند. ماهیت پیشگیری مبتنی بر اخلاق اسلامی با ایجاد تغییر در نگرش‌ها و باورهای افراد، می‌تواند از بسیاری جرایم جلوگیری نماید. (ر. ک: بشارتی، ۱۳۸۷)

در نتیجه چنین می‌توان گفت که اسلام با تبیین و ترویج اخلاقیات در صدد تطهیر جان انسان‌ها از لوث بندگی طاغوت، برپایی توحید و یکتاپرستی و متقابلاً مقابله با شرک، کفر و ارتداد برآمده است.

۳. راهبردهای فقهی

اگر گفته شود که همه قوانین فقهی در راستای پرورش روح توحیدی و مبارزه با شرک و کفر جعل شده، مبالغه‌ای صورت نگرفته است، اما در میان آن‌ها قوانینی وجود دارد که قرابت بیشتری با موضوع بحث دارد. قوانینی مثل وجوب معرفت خدا، وجوب تعلیم و تعلم، وجوب ارشاد جاهل، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، قاعده درأ، وجوب توبه، حرمت ارتداد و در نهایت وجوب اعدام مرتد را می‌توان از راهبردهای فقهی مقابله با ارتداد دانست.

۱.۳. وجوب معرفت خدا

در فقه شیعه اولین وظیفه‌ای که برای انسان مکلف متوجه است، معرفت خدا است. آن چه که بر مکلف لازم است دو امر است: علم و عمل. عمل به علم تابع و وابسته است. علم به دو امر نیز واجب است: علم به توحید و علم به عدل. (شیخ طوسی، ۱۳۷۵، ۵)

این در حالی است که وجوب معرفت خدا از باب مقدمیت برای نماز نیز ذکر شده است. (شهید اول، ۱۴۰۸، ۳۸)

۲.۳. وجوب تعلیم و تعلم

تعلیم و تعلم به عنوان وظیفه فردی و اجتماعی در آموزه‌های اسلامی به صورت فراوان ذکر شده است. (ر. ک: ری‌شهری، ۱۴۱۶، ماده علم)

در فقه اسلامی بر مکلف واجب است که حکم همه کارهایی را که انجام می‌دهد، بداند. یجب تعلم حکم کل فعل یصدر منه سواء كان من العبادات او المعاملات او العادات. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۶، ۱، ۱۴) در اسلام دانش‌آموزی در دستور کار تک تک افراد جامعه و حکومت اسلامی قرار گرفته است. بخشی از مسئولیت‌های حکومت اسلامی در قبال مردم، فراهم کردن بسترهای تعلیم، تربیت و اصلاح برای شهروندان است. بر حکومت اسلامی فرض است که همه مسلمانان در همه کشورهای اسلامی را در نظر داشته باشد و به اندازه توانایی در تعلیم و تربیت و گسترش فرهنگ و دفاع از آنان بکوشد. (منتظری، حسین علی، ۱۴۰۹، ۵، ۲۳۶)

یکی از وظایف حاکم اسلامی در قبال جامعه حفظ دین است. حاکم اسلامی در این راستا باید شبهات دینی را به طرز مناسبی پاسخ داده، از نفوذ بدعت در دین جلوگیری کند. او موظف است راه و روش درست را برای کسانی که به شبهه مبتلا شده‌اند، تبیین نماید. (ماوردی، ۱۴۲۲، ۱۵)

۳.۳. وجوب ارشاد جاهل

یکی از عناوینی که در فقه برای وجوب تعلیم به کار می‌رود، ارشاد جاهل است. ارشاد جاهل یعنی یاد دادن مسائل دینی به کسی است که نمی‌داند.

فقها درباره کسی که به حکم شرعی جاهل است، تعلیم را از باب تبلیغ شاهد به غائب، واجب می‌دانند. از نظر ایشان عالم به احکام دینی به منزله مبلغی الهی است که بر جاهل اتمام حجت می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۷۷)

۳.۴. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

نهاد امر به معروف و نهی از منکر، از فروع دین اسلام بوده، برای جلوگیری از وقوع و شیوع جرم و بزه کاری و انحرافات اخلاقی، در جامعه‌ی اسلامی، پیش بینی شده است. این نهاد در واقع یک نظارت عمومی است که هم متوجه حکومت اسلامی است و هم وظیفه‌ای مردمی است. با توجه به قرآن کریم (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰) و سنت (کلینی، ۱۳۶۵، ۵، ۵۵ - ۶۰) نقش و اهمیت این نهاد اسلامی در پیش‌گیری از وقوع و تکرار جرم بسیار سازنده می‌نماید.

در کتاب‌های فقهی ضمن ذکر ادله وجوب، ماهیت و شرایط آن نیز بررسی شده است. (ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۵۸)

۳.۵. قاعده درأ

در میان قواعد فقهی قاعده‌ای وجود دارد که به قاعده درأ مشهور است. نام این قاعده از روایت نبوی «ادْرَأُوا الْخُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۷۴) اخذ شده است.

مفاد اجمالی قاعده آن است که حدود با شبهه برداشته می‌شوند و مجازات حدی تنها در صورتی جاری می‌شود که هیچ گونه شک و شبهه‌ای در میان نباشد.

فقه اسلامی کسی را که ضروری دین را از روی شبهه انکار کرده، کافر نمی‌داند.

کسی که به تازگی مسلمان شده و یا از جامعه اسلامی دور مانده و به همین خاطر ضروری اسلام را انکار کرده است، کافر نیست. هر کسی که احراز شود انکارش از روی شبهه بوده و حتی گفته شده که اگر احتمال شبهه در بین باشد، باز کافر نخواهد بود. (نجفی، ۱۴۰۴، ۶، ۴۶)

۳.۶. حرمت ارتداد

ارتداد به عنوان مصداقی برای کفر یکی از بزرگترین گناهان کبیره شمرده شده و حکم حرمت برای آن جعل شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۹، ۳۴۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۳، ۱۳۴، ۱۷، ۲۲۴). ارتداد چون از بارزترین انواع کفر است، دارای غلیظترین حکم و عقوبت می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۲۲)

۳.۷. وجوب توبه

توبه به عنوان یکی از تدابیر پیش‌گیری از جرم یا موجب سقوط مجازات در سیستم کیفری اسلام روش خاصی است که در سایر قوانین جزایی غیر اسلامی سابقه ندارد. توبه، بازگشت و پشیمانی از جرم و گناه و خودداری مجرم از تکرار جرم و گناه است. در قرآن کریم پس از ذکر مجازات جرائمی مانند زنا، محاربه و سرقت به نقش اصلاحی توبه اشاره شده است. (نساء، ۱۶، مائده، ۳۳ - ۳۴، ۴۳، نور، ۴ - ۵)

نقش اصلاحی توبه در مرتد بسیار روشن است؛ چرا که مسلماً توبه صادقانه مرتد می‌تواند او را از عذاب ابدی جهنم نجات دهد. در فقه شیعه نقش بازدارندگی توبه از اجرای حکم اعدام تنها در مرتد ملی است. فقهای شیعه در حکم اعدام بین مرتد فطری و ملی تفاوت قائل بوده، حکم اولی را به صورت مطلق اعدام می‌دانند، و تنها دومی را مشروط به عدم توبه دانسته‌اند.

اسلام بین مرتد فطری و مرتد ملی فرق گذاشته است. اولی بدون قید یا شرطی اعدام می‌شود، ولی به دومی مهلت توبه داده می‌شود و در صورت عدم اسلام اعدام می‌شود. و سبب این تفاوت واضح است؛ چرا که ضرر ارتداد کسی که مسلمان به دنیا آمده، بیشتر از شخصی است که ابتدا مسلمان نبوده و بعداً مسلمان شده است. شخص اول به خاطر وابستگی نیرومندی که با جامعه اسلامی دارد، می‌تواند تاثیر سوئی بر عموم مسلمانان گذاشته، بر ضد حکومت اسلامی اقدام کند، در حالی که اثر منفی شخص دوم کمتر است. (سبحانی، ۱۴۳۳، ۱۸۶ - ۱۸۷)

۳.۸. وجوب اعدام مرتد

آخرین قانونی که درباره مرتد می‌توان از آن به عنوان راهبرد فقهی اسلام در مقابله با ارتداد یاد کرد، اعدام مرتد است. درباره اعدام مرتد می‌توان بین اجرای حکم اعدام و تشریح حکم اعدام تفکیک نمود. تشریح حکم برای همه بازدارندگی دارد، ولی اجرای حکم نسبت به مرتدی که اعدام می‌شود دیگر نمی‌تواند جنبه بازدارندگی داشته باشد، هر چند برای دیگران بازدارنده است. در اسلام هدف اصلی از جعل مجازات، تشفی حس انتقام‌جویی و از بین بردن یک انسان نیست، بلکه اسلام می‌خواهد با اصل تشریح حکم مجازات سنگین برای ارتداد، ترسی بر دل‌ها افکنده تا ارتدادی وقوع نپيوند.

توضیح این که احکام اسلامی در همه موضوعات به ویژه در باب حدود، جوری تشریح شده‌اند که هم اصل تشریح حکم و هم اجرای آن، بازدارنده هستند. اسلام زمینه را برای وقوع جرم از بین برده و با جعل مجازاتی در قالب حدود و تعزیرات، انگیزه فعالیت مجرمانه را از انسان سلب کرده است. از این رو نباید چنین فرض کرد که تنها اجرای احکام باز دارنده هستند، بلکه جعل و تشریح احکام نیز بازدارنده‌اند. به عبارت دیگر اگر کسانی که در فکر جرمی مثل قتل‌اند، با صحنه قصاص مواجه شوند و جلوی چشم خود ببینند که مجازات قاتل مرگ است، طبیعتاً از قصدی که داشتند برگشته و تغییری در عزمی که داشتند، ایجاد می‌شود. حال اگر همین فرد با صحنه قصاص مواجه نشود و فقط اطلاع یابد که در قانون مجازات اسلامی، قانونی به نام قصاص وجود دارد، با برای او بازدارندگی حاصل خواهد شد. پس نه تنها اجرای حکم قصاص بازدارنده است، بلکه اصل جعل و تشریح آن نیز بازدارندگی دارد.

از این جا معلوم می‌شود که چرا اسلام برای احراز جرم در برخی از جرم‌ها شرایط سنگینی قرار داده است. مثلاً شارع در جرمی مثل زنا، رویت شاهدان چهارگانه با وصف «كَالْمِيلِ فِي الْمَكْحَلَةِ» را معتبر دانسته است. (کلینی، ۱۳۶۵، ۷، ۱۸۴) این شرایط به قدری کم حاصل می‌شود که شاید اصل حکم مجازات را لغو ساخته، حکمت تشریح آن را زیر سؤال ببرد اما توجه به این نکته که اسلام به دنبال این نیست که جرمی رخ دهد، تا مجازات اعمال شود، بلکه اسلام به دنبال این است که اصلاً جرمی به وقوع نپیوندد، از این رو با جعل و تشریح مجازاتی مثل مرگ برای برخی از جرم‌ها، خواسته است که از وقوع جرم جلوگیری کند.

دقت و تأمل در چگونگی احراز این جرم و سختی شرایطی که در شهادت و شهود معتبر شده، بدین خاطر است که دایره رفتار خشونت‌آمیز وسعت پیدا نکرده، و صرفاً به اجرای مجازات خشن در موارد نادر نیز بسنده نشود. در حقیقت اسلام خواسته است اثر بازدارندگی را برای خود این قانون جزایی حفظ کند، بی‌آن‌که افراد زیادی را به خاطر ارتکاب جرم در معرض اعدام قرار دهد. نتیجه آن که روش اسلام در تعیین مجازات و راه اثبات جرم بازدارنده‌تر و نجات‌بخش‌تر از دیگر روش‌هاست. روش مزبور جامعه را از افتادن در ورطه زشتی‌ها و گناهان باز داشته، بی‌آن‌که بسیاری را در معرض اجرای آن قرار دهد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ۳، ۱۵۲)

احراز جرم ارتداد نیز از این مقوله مستثنا نیست. شارع گرچه حکم سنگینی مثل اعدام را برای مرتد در نظر گرفته، اما احراز موضوع ارتداد را به شرایطی وابسته کرده که عملاً چنین مواردی کم اتفاق می‌افتد.

اثبات حکم ارتداد و اجرای آن همانند دیگر احکام جزایی اسلام، منوط به تحقق شرایطی است و در عمل، در موارد بسیار محدودی، این احکام به اجرا می‌رسند و شاید سالیانی بگذرد و موضوعی برای آن یافت نشود؛ لذا کارایی این حکم را نباید فقط به لحاظ مجازات یک فرد نگریست، بلکه این احکام ناظر به مصالح جامعه هستند و اصل وجود چنین احکامی، جامعه را از آسیب حفظ نموده، اثرهای روانی و اجتماعی مطلوبی به جای می‌گذارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ۱۰۶)

ترتیب راهبردها

اسلام دو نوع راهبرد اساسی برای مقابله با ارتداد قرار داده است: ۱. راهبرد پیش‌گیرانه و بازدارنده که از آن به «دفع ارتداد» تعبیر می‌کنیم. ۲. راهبرد درمان‌گرایانه و ازبین‌برنده که از آن به «رفع ارتداد» تعبیر می‌کنیم. همه آموزه‌های کلامی، اخلاقی و فقهی اسلام در راستای پرورش روح توحیدی و مبارزه با مظاهر شرک، کفر و ارتداد است. در این میان برخی از قوانین جنبه دفعی داشته، زمینه ایجاد این ناهنجاری را از بین می‌برد و برخی هم درمان‌گرایانه بوده، شری را که از ناحیه مرتد متوجه جامعه اسلامی می‌شود، ریشه‌کن می‌کند.

اسلام با ارتداد به دو صورت دفعی و رفعی مقابله کرده است. راهبرد دفعی راهبردی نرم و فرهنگی است. راهبرد رفعی هم راهبردی قانونی است.

اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی، آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. (خمینی، ۱۴۲۳، ۷۳)

با دقت در راهبردهای مقابله‌ای اسلام با ارتداد این نتیجه به دست می‌آید که اسلام اعدام را به عنوان آخرین راهبرد در مقابله با ارتداد به کار بسته است، به تعبیر ضرب المثل مشهور عربی:

آخر الدواء الکی؛ لانه لا دواء بعده. (هاشمی، ۱۴۲۳، ۶۶)

آخرین مرحله درمان داغ نهادن است؛ چرا که دیگر بعد از داغ نهادن دیگر دارویی وجود ندارد.

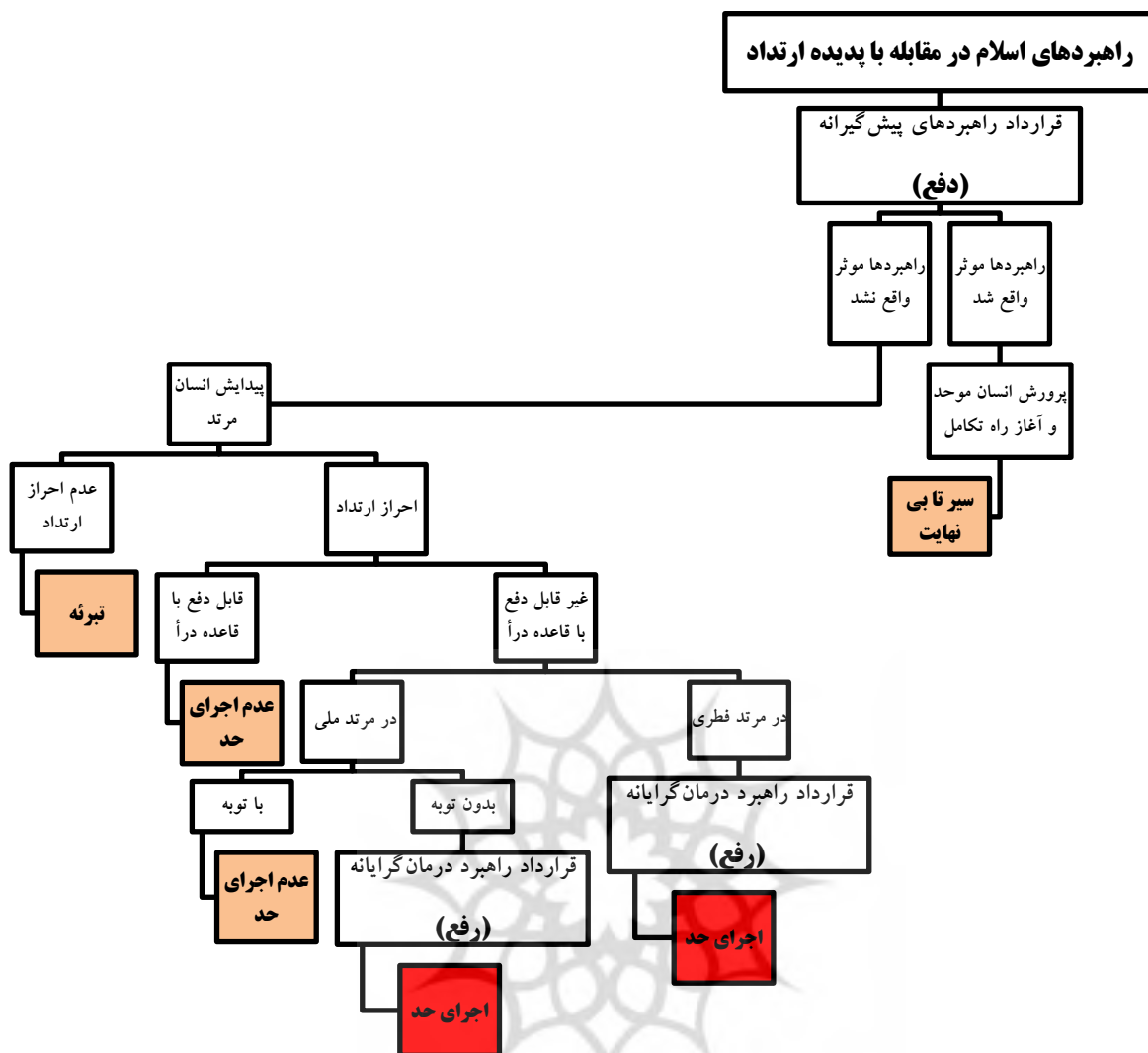
در بیان نورانی حضرت علی علیه السلام، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به پزشک دوره‌گرد توصیف شده است. او ابتدا از مرهم‌های مناسب و در صورت عدم افاقه از وسیله داغ‌گذاری استفاده می‌کند.

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْخَاجَةُ إِلَيْهِ؛ مِنْ قُلُوبٍ غَمِيٍّ وَ اَذَانٍ صُمٍّ وَالسِّنَّةِ بَكْمٍ. (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)

طیبیبی است که در میان بیماران می‌گردد، تا دردشان را درمان کند. داروها و مرهم‌های خود را مهیا کرده است و ابزار جراحی خویش گداخته است، تا هر زمان که نیاز افتد آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا برهنند.

ابزار و وسایلی که پیغمبر به کار می‌برد، متفاوت است. یک جا با قدرت، صلابت و قوه قهریه وارد می‌شود، یک جا با نرمی و عطف. پیامبر موارد هر یک را می‌شناسد. در همه جا از این وسایل در جهت بیداری و آگاهی مردم استفاده می‌کند. شمشیر را زمانی می‌زند که مردم را بیدار کند، اخلاق را در جایی به کار می‌برد که سبب آگاهی و بیداری شود. شمشیر را در جایی به کار می‌برد که دل کوری را بینا کند، گوش کوری را شنوا کند، چشم کوری را باز کند، زبان گنگی را گویا سازد. یعنی تمام وسایلی که پیغمبر به کار می‌برد، در جهت بیداری مردم بوده است. (مطهری، بی‌تا، ۱۶، ۱۰۸)

در یک دستش مرهم بود و در دست دیگرش میسم. وقتی می‌خواهند زخمی را با یک دوا نرم نرم معالجه کنند، روی آن مرهم می‌گذارند. میسم یعنی آلت جراحی، آلت داغ کردن. در یک دست مرهم داشت، در دست دیگر میسم. آنجا که با مرهم می‌شد معالجه کند معالجه می‌کرد، ولی جاهایی که مرهم کارگر نبود، دیگر سکوت نمی‌کرد که بسیار خوب، حال که مرهمان کارگر نیست پس بگذاریم به حال خودش باشد. اگر یک عضو فاسد را دیگر با مرهم نمی‌شود معالجه کرد، باید داغش کرد و با این وسیله معالجه نمود، با جراحی باید قطعش کرد، برید و دور انداخت. پس در جایی اعمال زور، در جای دیگر نرمش و ملاحظت. هر کدام را در جای خودش به کار می‌برد. (همان، ۱۶، ۸۴ - ۸۵)



نمودار ترتیب راهبردهای اسلام در مقابله با ارتداد

نتیجه گیری

تبیین حکمت‌های مجازات‌های خشنی مثل اعدام، اهمیت داشته می‌تواند از بسیاری بدفهمی‌ها جلوگیری کند. اسلام برای مقابله با ارتداد شیوه‌های مختلفی به کار بسته که می‌توان از آن با تعبیر «راهبردهای مقابله‌ای اسلام با ارتداد» یاد کرد.

راهبردهای مقابله‌ای اسلام با ارتداد در یک دسته‌بندی به سه بخش کلامی، اخلاقی و فقهی قابل تقسیم است. فطرت توحیدی انسان و وجود رابطه بین دنیا و آخرت از راهبردهای کلامی است.

ترویج فضایل اخلاقی و تبیین آسیب‌های رذایل اخلاقی از راهبردهای اخلاقی به شمار می‌آید.

وجوب معرفت خدا، وجوب تعلیم و تعلم، حرمت ارتداد و اعدام مرتد را می‌توان از مهم‌ترین راهبردهای فقهی برشمرد.

حکمت و رحمت خدا از سویی و کرامت انسان از سوی دیگر مقتضی است که راهبردهای پیش‌گیرانه بر راهبردهای درمان‌گرایانه مقدم شود، از این رو اسلام ابتدا با راهبردهای نرم فرهنگی و در صورت کارساز نبودن، با راهبرد قانونی در صدد مقابله با ارتداد برآمده است.

منابع و مراجع

- قرآن
- نهج البلاغه
- ۱. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
- ۲. بشارتی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مدرسه عالی فقه تخصصی.
- ۳. نجفی، حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۴. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۳)، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۶۸)، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- ۶. رجبی، محمود، انسان شناسی، (۱۳۸۴)، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ۷. ری شهری، محمد، (۱۴۱۶)، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث.
- ۸. سبحانی، جعفر، (۱۴۳۳)، شبهات و ردود، قم، موسسه امام صادق.
- ۹. شهید ثانی، شیخ زین الدین، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة، تعلیق سید محمد کلانتر، قم، کتابفروشی داوری.
- ۱۰. شهید ثانی، شیخ زن الدین، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الس تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیة.
- ۱۱. شهید اول، شیخ شمس الدین، (۱۴۰۸)، الألفية فی فقه الصلاة الیومیة، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۶)، العروة الوثقی، قم، اسماعیلیان.
- ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۵)، الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد، تهران، انتشارات کتابخانه جام چهل ستون.
- ۱۶. کاشف الغطاء، محمد حسین، (بی تا)، المثل العلیا فی الاسلام، نرم افزار نور مجموعه آل کاشف الغطاء، بی تا، بی جا.
- ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
- ۱۸. گرامی، غلامحسین، (۱۳۸۴)، انسان در اسلام، قم، نشر معارف.
- ۱۹. ماوردی، علی بن محمد، (۱۴۲۲)، الاحکام السلطانیة، دار الفکر، بیروت.
- ۲۰. مصباح، محمد تقی، (۱۳۸۱)، دین و آزادی، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی.
- ۲۱. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- ۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- ۲۳. منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، موسسه کیهان، قم.
- ۲۴. نصرین مزاحم، (۱۳۸۲)، وقعة صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قاهرة، المؤسسة العربیة الحدیثة.
- ۲۵. هاشمی، زید بن رفاعی، (۱۴۲۳)، الامثال، دار سعد الدین، دمشق.